

تاملی بر فلسفه و نقد ادبی

## فلسفه در برابر داستان سرایی

اسماعیل نادری

در قاموس ما فلسفه در برابر داستان سرایی قرار دارد و ما همیشه آن را جدی‌تر از داستان سرایی، نه قسمی از آن، می‌دانیم در برابر زیبایی و کشف در برابر تجربه قرار دارد. فلاسفه پی منطق و کشف (چون در ذهن ما منطق (در معنای عام فارسی می‌روند اما داستان سرایان مسحور زیبایی و تجربه هستند. کوندرا نیز در رمان مشهور خود اشاره می‌کند برای برخی زندگی زمانی رضایت بخش است که منطق بر آن حاکم باشد و برای برخی دیگر زیبایی، اینکه همه‌چیز به صورت تصادفی جفت و جور کنارهم بنشینند، حرف اول و آخر را می‌زند. این تقابل شاید در نگاه اول گزارشی استعاری از کیفیت ذهنیت افراد در جهان ما باشد؛ اما با کمی تامل در خواهیم یافت که این دوگانگی ریشه‌های عمیق‌تری در تفکر بشری، بویژه در فلسفه دارد. چه امر طبیعی‌ای منطق را از زیبایی یا کشف را از تجربه سوا می‌کند که بالطبع فلسفه امری جدا از داستان سرایی باشد؟ طبق آموزه‌های دریدا و رورتی هیچ دستاویز طبیعی، متون ما را از هم سوا نمی‌کند. ما بر اساس یک توافق بشری، شبه جزیره‌بی در شبکه آفرینش‌های بشری را منطقی (یا فلسفی) و شبه جزیره دیگری را هنری (داستان سرایی) می‌نامیم و این شبه‌جزیره‌ها با رشد خلاقیت بشری و نحله‌های فکری در حال فرو رفتن در یکدیگرند؛ و در آینده‌ی نزدیک، برخلاف پروژه راسل و خلف او، در برابر زیبایی) یا کشف (در) فلسفه در هنر و در آینده‌ی دورتر علم در هنر فرو خواهد رفت. اما فلاسفه وقتی حرف از منطق (برابر تجربه) می‌زنند؛ گوشه چشمی به این توافق ندارند و آنها را اموری حقیقی جدا از هم (مثل جدایی میز از صندلی می‌پندارند که ریشه در دهن شدگی فلسفه زیر چندین لایه دوگانگی افلاطونی و دکارتی دارد

فیلسوف، فلسفه را جدی‌تر از داستان سرایی می‌پندارد چون وضع متفاوت بشر در هستی را به مثابه «نسبتی ویژه» بین بشر و هستی و اساساً متفاوت از نسبت بین صندلی و هستی، می‌داند که بالطبع آفرینش زنجیره‌یی از دوگانگی‌ها از جمله دوگانگی ذهن- بدن و زبان- شئی را در پی داشته است تا این نسبت ویژه در یک دستگاه نظری منسجم، منطقی جلوه کند. مثلاً منظور فیلسوف از مبانی شناخت این است که متون، حاوی شناخت آنانی بوده که به مدد ابزاری ویژه (مثل زبان) در نسبتی ویژه با هستی آفریده می‌شوند؛ و همان‌ها نیز با استعانت اموراتی، روش‌ها یا محتواهایی «برتر» از انواع ((مثل تناظر یا کارکردگرایی دیگر متون قابل تمییز است. در این تعبیر فلسفی، کوهی از دوگانگی‌ها انباشته شده است که حلاجی و زدایش آنها شبه- فلسفه‌یی، چون شبه-فلسفه نیچه، ویتگنشتاین، دیویی و رورتی، را می‌طلبد تا فلسفه را از اسارت در دام فلسفه نجات دهد. اگر به هر دلیلی خود را از دام این فلسفه برهانیم، آنگاه شناخت از امری به مثابه «نمایش حقیقی» هستی به پرسش «میزان و کیفیت توافق» ما بر سر تفاسیر (داستان‌های) ما از هستی؛ ذهن از چشمی بینا بالای هستی به شیئی کور و لولیده در هستی و زبان از چسبی بین ما و هستی به ابزاری معمولی، چون چکش، کاهش می‌یابد. این کاهش، مرز آفرینش‌های بشری را از متناظر بودن با یک برش طبیعی در هستی به برشی توافقی برای ارضای کارکردهایی خاص در داستان‌های ما تقلیل می‌دهد؛ و بالطبع فلسفه در برابر داستان سرایی رنگ خواهد باخت؛ تا چه رسد که بنیان فرهنگ، علم، اخلاق و دیگر برش‌های ما باشد

سیر» می‌کند؛ سیری بی‌مسیر و بی‌غایت! او در تجرد مثل موج «بشر حول مدار یک نسبت ویژه نمی‌شود بلکه در هستی سواری بر موج‌های هستی یا روحی نافذ در آن سیر نمی‌کند. او از درون چیزها، با کنارهم قراردادن چیزها و با آمیزش با چیزها، بدون آنکه ذره‌یی در هستی‌گونگی و معرفت‌گونگی و دیگر «گونگی»های زاید فلسفی از این چیزها متفاوت باشد، سیر خود را رقم می‌زند. هر قدم این سیر یک تجربه است. تجربه‌های آشنا را با اسم‌هایی چون «کشف»، «اثر هنری»، «آموزش» و غیره می‌نامیم و مابقی به بی‌نامی «تجربه» در انتظار نام باقی می‌مانند. «داستان»، روایت بشر از نحوه آمیزش او با چیزها یا چیزها با چیزها در این سیر است. برخی روایات او شبیه روایات دیگران می‌شود و با هم آن را «منطقی» می‌نامند؛ و برخی دیگر روایاتی نو و خوش ریخت از سیری نو یا کهنه بوده که شاید نام «زیبا» را به آن اطلاق کنند. روایت‌ها هم به محض آفرینش خود چیزی در کنار چیزها می‌شوند؛ و می‌توان آن را در کنار چیزهای دیگر برای آفرینش قدم بعدی سیر، یعنی

تجربه، قرار داد و این درست فعل فلسفیدن است. فلسفه، تبیین‌گر یا کاشف نیست بلکه چیزهای سیری به نام فلسفه، متون هستند که هر فیلسوفی آنها را به ریختی دیگر کنار هم می‌نشانند و تجربه‌ی دیگری می‌آفرینند. در این نگاه، فلسفه به نقد ادبی می‌ماند آنگونه که نقاد ادبی پست مدرن، هارولد بلوم، نقد ادبی را تعریف می‌کند

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.